

چکیده پژوهش

این پژوهش یک پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با عنوان: بررسی میزان آگاهی مدیران از برنامه ریزی و رابطه آن با عملکرد بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان در سال ۱۳۷۳ انجام گردیده است و هدف اصلی آن تعیین میزان آگاهی مدیران از برنامه ریزی و رابطه آن با عملکرد بیمارستان در بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان می باشد.

در این تحقیق میزان آگاهی تعداد ۲۴ نفر از مدیران بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان از برنامه ریزی مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گرفته شده و سپس رابطه آن با عملکرد ایشان که منظور از عملکرد سه شاخص درصد اشغال تخت، متوسط اقامت بیمار و میزان پذیرش تخت در هر ماه بوده است، سنجیده شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش جهت بررسی میزان آگاهی، پرسشنامه ای بوده است که بر اساس مطالعه کتب معتبر مدیریت و برنامه ریزی و با نظر و اصلاحات اساتید راهنما و مشاور تهیه شده و توسط مدیران تکمیل شده است، در ضمن اطلاعات مربوط به عملکرد از اداره آمار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان اخذ شده است.

یافته های این پژوهش در ۲۷ جدول خلاصه شده است که به منظور دستیابی به نتایج از آمار توصیفی و تحلیلی استفاده گردیده است. بطور کلی نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که بیمارستانهای مورد پژوهش ۲۴ بیمارستان بوده که ۴۵/۸۳٪ آموزشی و ۵۴/۷۷٪ غیر آموزشی بوده اند، همچنین بیش از نیمی از بیمارستانهای مورد پژوهش دارای ۱۰۱ تخت به بالا تخت ثابت بوده اند و بیش از نیمی از بیمارستانهای مورد پژوهش دارای زیر ۱۰۰ تخت فعال بوده اند. بر اساس یافته های پژوهش تعداد پرسنل تحت نظارت ۳۳/۳۴٪ مدیران مورد پژوهش ۲۰۰-۱۰۱ نفر و تعداد پزشک تحت نظارت ۴۵/۸۳٪ مدیران مورد پژوهش ۲۰-۱۱ نفر بوده اند.

بر اساس یافته های پژوهش کل جامعه مورد مطالعه ۲۴ نفر مدیر بوده که از این تعداد ۵۸/۲۳٪ در سنین بین ۴۰-۴۹ بوده اند و همچنین کل جامعه مورد پژوهش مدیران متأهل بوده که از این تعداد ۹۱/۶۷٪ مرد و ۸/۳۴٪ زن بوده اند، همچنین ۴۱/۶۷٪ مدیران با سابقه کار ۵-۲ سال بوده اند و بیش از نیمی از مدیران جامعه پژوهش دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر بوده اند و ۶۶/۷۶٪ مدیران دوره های ضمن خدمت مدیریت را گذرانده اند.

بر اساس یافته های پژوهش در اکثر بیمارستانها سطح آگاهی مدیران از برنامه ریزی در حد متوسط بوده است و در بیمارستانهایی که درصد اشغال تخت آنها بین ۴۹/۷-۴۲/۸ بوده است ۶۶/۷٪ از سطح آگاهی خوبی برخوردار بوده اند و در بیمارستانهایی که درصد اشغال آنها بین ۷۰/۷-۶۳/۸ بوده است ۵۰٪ از مدیران از سطح آگاهی خوبی برخوردار بوده اند، که نشان می دهد که مدیرانی که سطح آگاهی خوبی داشته اند اکثراً بیمارستان تحت امرشان از درصد اشغال تخت بالایی برخوردار بوده اند.

همچنین در بیمارستانهایی که متوسط اقامت بیمارشان بین ۴/۵-۱/۵ بوده است ۱۵/۷۹٪ ^{مدیران} بیماران از سطح آگاهی خوبی و ۷۳/۶۸٪ مدیران از سطح آگاهی متوسطی برخوردار بوده اند، که نشان می دهد که مدیرانی که از سطح آگاهی متوسط و خوبی برخوردار بوده اند اکثراً بیمارستان تحت امرشان از متوسط اقامت بیمار کمتری برخوردار بوده اند.

همچنین در بیمارستانهایی که نسبت پذیرش تخت در هر ماه آنها بین ۷/۵-۵/۶ بوده است ۳۳/۳۳٪ مدیران از سطح آگاهی خوبی و ۶۶/۶۷٪ مدیران از سطح آگاهی متوسطی برخوردار بوده اند و در این گروه از بیمارستانها مدیران با

سطح آگاهی ضعیف مشاهده نگردید، که نشان می دهد که مدیرانی که از سطح آگاهی متوسط و خوبی برخوردار بوده اند اکثراً بیمارستان تحت امرشان از پذیرش تخت در هر ماه بیشتری برخوردار بوده اند.

- اکثریت مدیران در امور بیمارستان از برنامه ریزی سوژ می برند (۸۳/۲۳)

- اکثریت مدیران تعریف روشنی از برنامه ریزی دارند (۷۵/۷)

بیمارستانهای مورد پژوهش که تحت مدیریت مدیران فوق لیسانس بوده اند از درصد اشغال تخت بالای ۴۹/۸ برخوردار بوده اند در صورتیکه بیمارستانهای مورد پژوهش که تحت مدیریت مدیران با سایر مدارک تحصیلی بوده اند از درصد اشغال تخت پایین تر از ۴۹/۸ برخوردار بوده اند که نشان میدهد که مدیرانی که دارای مدرک فوق لیسانس مدیریت بوده اند درصد اشغال تخت بیمارستان تحت امرشان بالاتر از سایر مدیران بوده است.

همچنین بیمارستانهای مورد پژوهش که تحت مدیریت مدیران با سابقه کار بالای ۱۶ سال بوده اند از درصد اشغال تخت بالای ۴۲/۸ برخوردار بوده اند در صورتیکه بیمارستانهای تحت مدیریت مدیران با سابقه کار کمتر از ۱۶ سال اکثراً از درصد اشغال تخت پایین تر از ۴۲/۸ برخوردار بوده اند، که نشان میدهد که مدیرانی که سابقه کار بالاتر از شانزده سال داشته اند درصد اشغال تخت بیمارستان تحت امرشان بالاتر از سایر مدیران بوده است.

همچنین اکثر بیمارستانهای مورد پژوهش که تحت مدیریت مدیرانی بوده اند که دوره ضمن خدمت مدیریت را گذرانده اند دارای درصد اشغال تخت بالای ۴۹/۸ بوده اند در صورتیکه بیمارستانهایی که تحت مدیریت مدیرانی بوده اند که دوره ضمن خدمت مدیریت را نگذرانده اند درصد اشغال تخت بین ۴۲/۷-۳۵/۸ داشته اند، که نشان دهنده تاثیر گذراندن این دوره ها در بالا بردن عملکرد بیمارستان می باشد.

- مدیرانی که رشته تحصیلی آنها مرتبط با رشته مدیریت بوده از سطح آگاهی متوسط تا خوب برخوردار بوده اند و در این گروه سطح آگاهی ضعیف مشاهده نگردید، که نشان دهنده تاثیر مرتبط بودن رشته تحصیلی بر میزان آگاهی می باشد.
- مدیرانی که دوره ضمن خدمت مدیریت را نگذرانده اند از سطح آگاهی ضعیف تا متوسط برخوردار بوده اند و در این گروه سطح آگاهی خوب مشاهده نگردید، که نشان دهنده تاثیر گذراندن دوره ضمن خدمت مدیریت بر میزان آگاهی می باشد.

اطلاعات حاصله نشان داده است که با توجه به شرایط پژوهش فوق بین میزان آگاهی مدیران از برنامه ریزی و عملکرد بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان رابطه معنی داری وجود ندارد.

رابطه میزان آگاهی مدیران از برنامه ریزی و درصد اشغال تخت $2P = 0/217$

رابطه میزان آگاهی مدیران از برنامه ریزی و متوسط اقامت بیمار $2P = 0/957$

رابطه میزان آگاهی مدیران از برنامه ریزی و میزان پذیرش تخت در هر ماه $2P = 0/55$

لازم به ذکر است که احتمالاً به دلایل ذیل رابطه معنی داری بین سطح آگاهی مدیران و عملکرد بیمارستان وجود ندارد.

۱- کم بودن تعداد جامعه مورد پژوهش

۲- متمرکز بودن امر برنامه ریزی در بخش بهداشت و درمان کشور و نقش کمتر مدیران در این امر